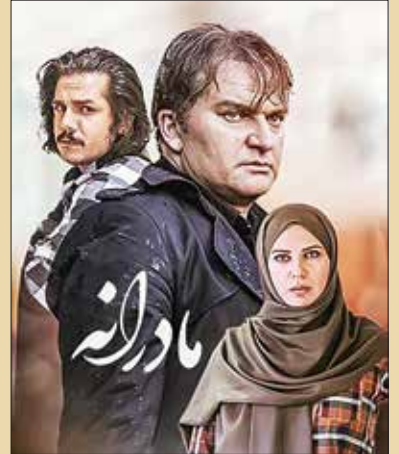


مادرانه‌های یک پدر

نوشین مجلسی

سر دبیر

قاصد کوچک



به رسم خاطره بازی با سریال‌هایی که بار دیگر راهی آنتن قاب کوچک شدند، این هفته سراغ سریال مادرانه می‌رویم که این روزها از شبکه آی فیلم پخش می‌شود. اگر تا امروز به تماشای آن ننشستید، احتمالاً از شنیدن نام سریال گمان می‌کنید با اثری سروکار دارید که قصه‌ای از فداکاری‌های یک مادر را روایت می‌کند اما این چنین نیست. هرچند نام سریال مادرانه است، ولی تصویر مادر در آن با آنچه تا امروز در دیگر سریال‌های تلویزیونی دیده‌اید متفاوت به نظر می‌رسد. بیش از دیدن عاطفه مادرانه میان شخصیت‌های اصلی قصه، شاهد چالش‌های پذیرش نقش مادری و انتخاب میان زندگی شخصی و اولویت‌های خانوادگی هستیم. از سوی دیگر شخصیت اصلی، پدری است که تلاش می‌کند در فقدان همسرش - به دلیل مهاجرت - مراقب فرزندان خود باشد اما او که در ایفای نقش پدری هم موفق نیست، نمی‌تواند جای خالی مادر را نیز پر کند. اساساً از راه ناصوابی می‌خواهد به مقصد صمیمیت با فرزندانش برسد. نتیجه این است که هم خود ناکام می‌ماند و هم با هر تلاشی که با تشر همراه است، بیشتر فرزندان‌ش به‌ویژه دختر جوان خود را از خانه و خانواده دور می‌کند. در واقع می‌توان گفت مادرانه قصه خلأ حس مادری و تلاش‌های پدرانه برای جبران آن است. این سریال به کارگردانی جواد افشار، رمضان سال ۹۲ روی آنتن شبکه سه رفت. به صورت خلاصه مادرانه روایتگر قصه اردلان تمجید است که سال‌های دور، مریم، نامزد خود را با سودای ازدواج با زنی ثروتمند به اسم رعنا رها می‌کند. ازدواج آنان اما دیری نمی‌پاید و رعنا پس از جدایی به خارج کشور می‌رود. اردلان سرپرستی فرزندان‌ش را به عهده می‌گیرد، ولی در برقراری ارتباط با آنان به‌ویژه دخترش، رها که به سن جوانی رسیده است به مشکلاتی برمی‌خورد... مادرانه از جنس فیلمنامه‌های آشنای سعید نعمت‌ا... باواژه‌ها و اصطلاح‌های مخصوص به خود است. دیالوگ‌های آهنگین و پرتمثیل از زبان شخصیت‌ها به گوش می‌رسد؛ شخصیت‌هایی که جنس آدم‌های دنیای درام نعمت‌ا... می‌سازد. آدم‌هایی که غالباً واکنش‌های اغراق‌آمیزی نسبت به شرایط و دشواری‌های زندگی‌شان دارند. همان‌طور که بیان کردیم در میان بازیگرانی که به نقش‌های مادرانه جان داده‌اند، نقش پدر پررنگ‌تر است. مهدی سلطانی سروستانی، ایفاگر این نقش توانست با قدرت بیشتری نسبت به سایر بازیگران ظاهر شود و درماندگی درونی که پدر پشت نقاب دیکتاتوری‌اش پنهان کرده است را به مخاطبان انتقال دهد. او چند سال بعد با ایفای نقش «پدر» در سریالی با همین نام، نقطه مقابل شخصیتش در سریال مادرانه را به مخاطبان نشان داد که حامی، منطقی و مهربان بود.

پیوند
کتاب و رسانه

نگاهی به اقتباس ادبی در سریال «وارش»

مصائب مهاجران

«پدران و پدر بزرگ‌های ما با دست‌های کاملاً خالی و کوله باری لباس بر پشت به اینجا آمدند. همه ما به اتفاق هم در شمار مهاجران بودیم. ما کار کردیم و پس انداز کردیم و ساختیم.» آنچه گفته شد بخشی از رمان مهاجران است که آن را می‌توان چکیده قصه نیز تلقی کرد. از این رمان مشهور به قلم هاوارد فاست در تلویزیون خودمان اقتباس شد و سریالی بر پایه آن روی آنتن رفت. سریالی با نام «وارش» که قصه مهاجران و آمریکا را به سرنوشت مردی از خطه سیستان و بلوچستان که به گیلان می‌رسد، گره زد. در ادامه نگاهی به پیوند این کتاب و سریال وارش که از شبکه سه سیما پخش شد انداخته‌ایم.

آرمیتا علی‌رضایی

روزنامه نگار

برگ اول

دهه‌های یک زندگی

داستان سریال ۳۴ قسمتی وارش به کارگردانی احمد کاوری، تهیه‌کنندگی محمود رضا تخشید و نویسندگی جابر قاسم‌علی از دهه ۳۰ آغاز می‌شود و بعد از روایت زندگی‌های پرفراز و نشیب شخصیت‌های اصلی به زمان حال می‌رسد. این سریال نخستین بار سال ۱۳۹۸ از شبکه سه سیما پخش شد و پس از آن بازپخش‌هایی نیز از شبکه‌های دیگر داشت. علیرضا کمالی، الهام طهوری، بهنام تشکر، علیرضا

جلالی تبار، هدایت هاشمی، امیررضا دلوری، داریوش کاردان، شهرام قائدی، رحیم نوروزی، رامین راستاد، مهدی امینی‌خواه، سهیلا رضوی، حدیثه تهرانی، نیلوفر شهیدی، علی سلیمانی، فرخ نعمتی، کوروش سلیمانی، نسرين بابایی، افشین سنگ‌چاپ، آوا دارویتی، قربان نجفی، فریبا طالبی، مینا نوروزی، فریده دریامج، سہی بانو ذوالقدر، ساناز سماواتی، وحید شیخ‌زاده، پیام احمدی‌نیا، بهراد خزاری، فرج‌ا... گلسفیدی، انوش نصر، کرامت رودساز، حمیدرضا داوری، مهدیه کوهستانی و... بازیگران وارش هستند.

در سریال می‌بینیم: یارمحمد برای فرار از گرسنگی و خشکسالی به شمال کشور می‌رود تا شغل ماهیگیری را پیشه کند. او که نمی‌داند ماهیگیری آن منطقه در سلطه گردنکشی به نام تراب است، به دریا می‌زند و مقابل تراب می‌ایستد. وارش، بیوه جواد که سال‌ها تراب در خیال ازدواج با اوست، با دیدن دلوری یارمحمد دل به او می‌بندد و به تراب جواب رد می‌دهد. تراب نقشه‌ای می‌چیند تا یارمحمد را از سر راه بردارد اما اتفاقی که هیچ‌کس انتظارش را نمی‌کشد از راه رسیده و سرنوشت آدم‌ها را با هم عجین می‌کند.



برگ دوم

هنر اقتباس ایرانی

مهاجران از پراقتباس‌ترین آثار ادبی و جزو رمان‌های پرفروش آمریکاست. سریال وارش اقتباسی آزاد از این اثر داشته است. احمد کاوری در رابطه با داستان سریال که برداشتی از رمان مهاجران است بیان کرده بود: هنر اقتباس این است که ما قصه‌ای را ایرانی‌تر کنیم که در این اثر سعی کردیم این کار را انجام دهیم. علاوه بر این، این اتفاق سبب می‌شود که افراد رمان را بخوانند و حتی از آن اقتباس‌های دیگری انجام شود که به ادبیات ما کمک کند.

برگ سوم

مهاجرت به آمریکا

مهاجران (به انگلیسی The Immigrants) کتابی از هاوارد فاست و روایتگر داستان بلندی است که به زیر و بم زندگی شخصیتی به نام دان لاوت (فرزند یک خانواده فقیر ایتالیایی که والدینش در آخرین دهه قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به آمریکا مهاجرت کردند) می‌پردازد. این کتاب را فریدون مجلسی به فارسی ترجمه کرده است.



برگ چهارم

عاشق؛ انسانی دلیر و سخاوتمند

«انسانی که محرکش عشق ژرف باشد، دلیر است. با میانه‌روی انسان سخاوتمندی می‌شود و کسی که آرزومند پیش‌تاز بودن در جهان نباشد، رهبر جهان می‌شود.» این جملات تأثیرگذار تنها مثنوی است نمونه خروار

که در رمان مهاجران آورده شده است. در جای دیگر می‌خوانیم: «زندگی به بازی و آدم باید به قصد برد بازی کنه، نه این‌که اون قدر عرق بریزه که جونش دربیاد.» همچنین در بخشی از کتاب آمده است: «تا پیش از آشنا شدن با فنگ وو، هرگز چینی‌ها را به عنوان اشخاص، به عنوان افراد انسان و به عنوان مردمانی صاحب احساس دارای درد و لذت و رنج تلقی نکرده بود که در

عذاب‌های سهمیم بودند که بخشی از بشریت بود. یک چینی اگر تنک می‌خورد دردش نمی‌آمد، اگر زخمی می‌شد، از زخمش خون نمی‌آمد. اگر می‌مرد مفهومی نداشت. در گزارش‌های روزانه اداره پلیس سانفرانسیسکو یک مرده چینی از لحاظ آماری با یک مرده سفیدپوست فرق می‌کرد و در نظر سفیدپوستان مرگ یک چینی به معنی آسوده شدن از شرش تلقی می‌شد.»